

روند و نتیجه پروژه « شکل دهی تشکل بزرگ چپ »

جمع‌بندی و ارزیابی ما

پس از قریب به چهار سال بحث و گفتگو به منظور تلاش برای غلبه بر پراکندگی چپ میان سه جریان (سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران)، در نهایت فراخوانی مشترک و سه جانبه تحت عنوان "برای مشارکت در روند شکل دهی تشکل بزرگ چپ" در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۱ (۵ نوامبر ۲۰۱۲) منتشر شد. پس از انتشار این فراخوان، تعدادی از فعالین منفرد چپ با امضای "کنشگران چپ"، بدان پاسخ مثبت دادند و از آن پس تلاش مشترک و چهارجانبه ای با هدف شکل دهی تشکل بزرگ چپ آغاز شد. این پروژه بر اساس خطوط مشترک سه گانه زیر شکل پذیرفت:

- ۱- گسست از سیستم فکری و عملکردی "سوسیالیسم واقعا موجود" که طی چند دهه در شوروی و تعدادی از کشورها حاکم بود و اساس فکری مسلط در جنبش کمونیستی را تشکیل می داد.
- ۲- باورمندی به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و مبارزه برای تحقق آن‌ها در ایران. آزادی با عدالت اجتماعی و سوسیالیسم با دموکراسی پیوندی عمیق دارند. دفاع از حقوق بشر و مبارزه علیه هر گونه ستم و تبعیض ملی، طبقاتی، جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی.
- ۳- اعتقاد بر این که جمهوری اسلامی مانع اصلی آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی است. از این رو هدف برنامه ای ما رفع این مانع از طریق مبارزه مسالمت آمیز به دست مردم و از طریق گسترش جنبش همگانی و استقرار یک جمهوری دمکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین در ایران است.

لازم به ذکر است که در فرخوان آمده بود: "وارد شدن به روند بحث و گفتگو و تدوین اسناد، لزوماً به معنی تصمیم گیری قطعی از همان ابتدا در مورد امر وحدت نیست، اما به معنی تعهد به مشارکت در این روند است. بعد از اتمام این روند، فعالین چپ و سازمان ها، با توجه به حاصل کارجمعی، خود در مورد وحدت و شرکت در سازمان واحد تصمیم خواهند گرفت".

جمع‌بندی و ارزیابی ما

۱

صرفنظر از مخالفت‌ها، که به نسبت‌های متفاوت در درون هر سه جریان مطرح بودند، اما در میان موافقان پروژه هم، چه در بین سازمانها، چه در داخل سازمانها و چه در میان کنشگران چپ، برداشت واحدی راجع به آن (هدف، ترکیب، کیفیت، ساختار، نحوه اجرا و...) حاکم نبود. فراز و فرود پیشبرد پروژه هم، گاهی به نزدیکی و یا دوری از برداشتهای مختلف موجود تاثیر میگذاشت. با این وجود تلاشهای گسترده برای اجرای پروژه به کار گرفته شد. «نقشه راه» یعنی برنامه‌ای زمانبندی شده برای اجرا یا پیشبرد پروژه «شکل دهی تشکل بزرگ چپ» تدوین شد و به تأیید همه طرفهای فعال در آن رسید. تهیه و تصویب نقشه راه، سازمانیابی کنشگران چپ و تعیین نمایندگان (رابطان) آنها در گروه «تدارک و سازماندهی» نیز حدود هفت ماه زمان برد و، در نهایت، در اواسط ژوئن ۲۰۱۳ پروژه آغاز گشت.

در مورد مدت زمان لازم برای اتمام "پروژه"، اختلاف وجود داشت و نظرات در مورد ادامه آن بین

یک تا سه سال متفاوت بود که در نهایت دو سال (از ژوئن ۲۰۱۳ تا ژوئن ۲۰۱۵) تعیین شد.

۲

در گفتگوهای مقدماتی میان سه جریان، توجه به فعالان منفرد چپ و جلب مشارکت آنان از اهمیت زیادی برخوردار بود در عین وجود توافق اصولی و رسمی هر سه سازمان در مورد ضرورت شرکت آنها به عنوان یکی از چهارطرف تشکیل دهنده این پروژه، اما در عمل، تحرک کافی برای جلب مشارکت عده بیشتری از آنها انجام نگرفت. در چند شهر اروپائی نشستهایی برای این کار برگزار گردید ولی برخی جاها که ظرفیت بالائی هم داشتند، عملاً نادیده گرفته شد. در نهایت، چند ده نفر از کنشگران چپ در این پروژه شرکت کردند (که غالباً هم از طیف «فدائی» بودند)، در حالی که زمینه برای جلب چند برابر این تعداد، وجود داشت. اما نباید نادیده انگاشت که حضور فعال تعدادی از نیروهای منفرد چپ در این کار و فراهم شدن امکان مشارکت دموکراتیک آنها در بحثها و تصمیم گیری ها، فی نفسه، تجربه ای تازه و مثبت بوده است. بسیاری از احزاب و سازمانها و همچنین فعالان غیرمتشکل براین باور بوده و یا هنوز هم هستند که اساساً امکان همکاری و مشارکت بین سازمانها و منفردین در یک کار جمعی، در چارچوب مناسبات دموکراتیک، وجود ندارد. پیشبرد این پروژه هر چند ناکام نشان داد که همکاری مشترک سازمان ها و منفردین مستقل، به شیوه دموکراتیک، امکان پذیر است. بر سر تشکیل سه گروه کار (علاوه بر گروه تدارک و سازماندهی و گروه دیگری برای اداره سایت و تبلیغات) متشکل از دو نفر از هر سازمان و دو نفر از کنشگران چپ در هر گروه، توافق حاصل گردید. در هر صورت، گروه نظری- برنامه ای، تقریباً ۹ ماه و دو گروه «سیاسی و «اساسنامه» هم حدود یک سال پس از اعلام بیرونی فراخوان، تشکیل و مشغول کار شدند. در طول این مدت، روند مباحث نظری، برنامه ای و یا ساختاری در گروه های کار، پالتاکها و کنفرانسهای عمومی، استقبال و شور و شوق چندانی در میان بسیاری از شرکت کنندگان ایجاد نکرد. در بین بخش بزرگی از شرکت کنندگان، این گرایش و یا روحیه حاکم بود که اکثر بحثهای نظری و برنامه ای، موضوعاتی «نسبیه» و یا بحثهایی «بی مورد» و «نا لازم» بودند و یا اینکه برخی مطرح می کردند که: «ما نمی توانیم به مسائلی که حتی جنبش جهانی چپ نتوانسته جواب بدهد، جواب بدهیم». اما متقابلاً، بحث روی مسائل سیاسی، خط مشی و یا استراتژی سیاسی (روی عناوین معینی از استراتژی سیاسی) نسبتاً داغ بود. واقعیت مسئله این است که جدا از خود اعضای گروه های کار و چند نفر دیگر، کس دیگری از شرکت کنندگان هیچ طرح و برنامه و پیشنهاد اساسنامه و یا منشور مکتوبی به گروه های کار مربوطه ارائه نکرد، در حالی که طبق آئین نامه مصوب گروه تدارک و سازماندهی، وظیفه اصلی آن گروه ها ساماندهی و تدوین پیشنهادها و اصله از سوی شرکت کنندگان پروژه بوده است. در نهایت، خود اعضای گروه های کار دست به کار شدند و رأساً به تهیه و عرضه طرحها و منشورهای سیاسی، ساختاری و یا برنامه ای مبادرت کردند.

۳

علیرغم صرف انرژی و تقبل زحمات فراوان، اما اعضای گروه کار «تدارک و سازماندهی» که مسئولیت و نقش بسیار مهمی در پیشبرد این پروژه داشتند، نتوانستند که نحوه فعالیتها را بدروستی به پیش ببرند، وجود تراکم در کارها و مسائل مرتبط با اختیارات و وظایف فردی و گروهی و در عین حال تداوم شیوه های فعالیتی بوروکراتیک، در عمل موجب کندی فعالیتها و تصمیم گیری های سازنده شد، در حالی که این گروه می توانست با واگذاری بخشی از وظایف و اختیارات خود به دیگر فعالان علاقمند، از فشار بر خود بکاهد و بر بازدهی کارها بیفزاید.

۴

این پروژه، به رغم تمایل و تلاشهای همه فعالان آن، طی دوره دو ساله، نتوانست شتاب و اشتیاق لازم

را در میان فعالان و علاقمندان جلب نموده و بطور خلاق پیشرفت کند. انتشار فراخوان و کوششهای اولیه، امیدواری‌هایی را نسبت به امکان موفقیت آن، در بین فعالان در گیر و اطرافیان علاقمند به آن بوجود آورد، اما بخش‌ها بخاطر روند کند و طولانی شدن پروسه، و همچنین بارز شدن اختلاف نظرات غیر قابل حل، موجود، انگیزه‌ها بتدریج کاهش یافت و نهایتاً به بن بست رسید. در فاصله نخستین کنفرانس در نوامبر ۲۰۱۳ تا سمینار- کنفرانس چهارم در مارس ۲۰۱۵، در هر کنفرانس از تعداد شرکت کنندگان کاسته شد و در آخرین نشست نیز بخش عمده صحبت‌ها نه متوجه نقد و بررسی اسناد ارائه شده و بلکه معطوف به «چه کنیم؟» بود، یعنی اینکه حالا با وجود چهار طرح منشور نظری و سیاسی و دو طرح اساسنامه، چه کاری می‌شود کرد و یا چگونه می‌توان این پروژه را از این بن بست بیرون آورد.

در طول مدت اجرای این پروژه مشترک، دیگر همکاری‌ها، فعالیتها، موضعگیری‌های سیاسی و یا صدور اعلامیه‌های مشترک از سوی چهار بخش شرکت کننده در آن، در قیاس با قبل از انتشار فراخوان، فروکش نمود، در صورتی که زمینه و سوژه فعالیت‌های مشترک هم کم نبود و برای بسیاری از فعالان هم این سوال مطرح بود که در حال حاضر که همه این جریان‌ها در راه وحدت و شکل دهی تشکل بزرگ چه تلاش می‌کنند، چگونه است که نمی‌توانند همکاری‌های بیشتری با همدیگر داشته باشند. فعالیتها و اقدامات عملی نیروهای درگیر در این پروژه نیز اوقات زیادی از انرژی آنها را به خود اختصاص داده و نتیجتاً، زمان کمتری را برای پرداختن به دیگر کارها باقی می‌گذاشت. اما مهمتر از همه اینها، آنچه پیشرفت درگسترش همکاری‌های مشترک میان جریان‌های سیاسی فعال در این پروژه را محدود یا دشوار می‌کرد، اختلاف مواضع و نظرات سیاسی در بین آنها بود.

۵

وجود اختلاف نظر در میان نیروهای شرکت کننده در این پروژه، چه در میان سازمانها و چه در بین فعالان منفرد چپ، از همان ابتدا، امری پوشیده برای آنها و دیگران نبود. اما این نیروها، از ابتدا، با علم به وجود این اختلافات و برای غلبه بر پراکندگی و ضعف چپ بود که تلاشهایی را شروع کردند که فراخوان برای «شکل دهی تشکل بزرگ چپ» ترجمان آن خواست مشترک در آن زمان بود. این امیدواری در جمع شرکت کنندگان غالب بود که به رغم وجود تفاوت‌های جدی در مورد چگونگی پیشبرد میارزه در قبال جمهوری اسلامی و سرمایه داری، امکان آن وجود داشت که از طریق بحث و جدل و اقناع، گسترش همکاری‌های فیمابین و با ورود و مشارکت نیروهای بیشتر در این پروژه و در عین حال، روبرو گشتن با واقعیات عینی و تأثیرپذیری از تحولات جاری، امکان شکل‌گیری تشکل جدید و بزرگتری در این طیف چپ وجود دارد. ولی با وجود همه کوششها، عمدتاً به دلیل ناکافی بودن اشتراکات و برجای ماندن اختلافات مهم، آن امیدواری در عمل برآورده نشد و این پروژه با ناکامی مواجه گردید. پاسخ‌های گوناگون چهار طرف شرکت کننده در پایان کار به گروه تدارک و سازماندهی و ناتوانی این گروه در ارائه یک جمع‌بندی مشترک از چگونگی پیشرفت پروژه نیز براین واقعیت گواهی می‌دهند. طی پروسه دیالوگ روشن شد که بین مجموعه اندیشه‌ورزان در این پروژه، بر روی عبور از جمهوری اسلامی و استنباط از سوسیالیسم و چگونگی عبور از سرمایه داری موجود به جامعه مورد نظر، اختلافات فاحش وجود دارند.

با وجود مشترکات مصرح در فراخوان، اما در روند پیش روی پروژه، آشکار شد که درک و تلقی این مجموعه از خطوط سه گانه مندرج در فراخوان نه تنها هم سان و سازگار نبودند بلکه در تک تک بندهای آن، دریافت‌ها و تلقی‌های متفاوت و گاه بسی متضاد و غیر قابل توافق وجود داشتند. چهار منشوری که در پایان کار ارائه شدند بیانگر این اختلافات می‌باشند. در طی بحث و گفت و گوهای درونی برای تهیه منشور و اساسنامه برای تشکیلات جدید، به تدریج و هر چه بیشتر، به رغم خوش

بینی های اولیه در آغاز کار نسبت به امکان هم گرایی این جریان ها، ثابت شد که امکان ایجاد تشکیلاتی واحد، پایدار و اثرگذار که جایگزین سازمان های موجود گشته، بر اساس مبانی نظری، سیاسی و تشکیلاتی چپی به واقع سوسیالیستی و سازمانی به واقع اپوزیسیونی علیه تمامیت نظام جمهوری اسلامی و سرمایه داری مبارزه کند، وجود ندارد.

۶

پروژه با وجود همه تلاشهای قابل ارج، موفق به تبیین پایه های نظری، برنامه ای و تشکیلاتی مورد توافق چهار جریان تشکیل دهنده پروژه، بر مبنای یک منشور و یک سند ساختارمشارکت که لازمه ایجاد یک "سازمان واحد چپ سوسیالیستی" است نگردید. با توجه به چنین وضعی، کنگره مشترک بطور منطقی نمی توانست بر اساس پیش بینی نقشه راه برگزار شود. به رغم ناکامی در رسیدن به هدف خود، پروژه اما توانست با سازماندهی گفت و گو و تعامل میان بخشی از نیروهای سیاسی کشور مان در خارج از کشور، آزمونی شود که ما آن را مثبت و آموزنده در راستای تلاش های تاریخی و مکرر جنبش چپ ایران برای اتحاد و وحدت میان خود ارزیابی می کنیم. حاصل کار جمعی یا دستاورد مکتوب آن پروژه، یعنی چهار منشور برنامه ای و سیاسی، دو طرح اساسنامه و فهرستی از اشتراکات و اختلافات، به هر کیفیت، نشان دهنده توان و ظرفیت این جمع شرکت کننده در این پروژه بوده است. تهیه و انتشار این اسناد، به سهم خود، به روشن تر نمودن و ضرورت تاکید بر مرزبندی، بلحاظ هویت، مبانی نظری و استراتژی سیاسی این طیف وسیع چپ آزادیخواه و در نتیجه مشخص تر کردن صف بندیها و گرایشهای آن، یاری رسانده است.

۷

شکست این پروژه، با همه صدمات و تبعات آن، البته به معنی پایان کار نیست. همه ما از پریشانی و پراکندگی چپ رادیکال و آزادیخواه رنج می بریم و در حد توان خود برای غلبه بر آن می کوشیم. با بهره گیری از تجربیات و دستاوردهای این پروژه، می توان و باید برای طرحهای دیگر در راستای همگرایی و انسجام ممکن در میان این بخش از چپ اندیشید.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

تعدادی از کنشگران چپ

۶ خرداد ۱۳۹۶ - ۲۷ ماه می ۲۰۱۷